

نگاه روز

ایرانیان و مسأله تبلی ذهن!



عبدالله کوری

نقد بدیده نوبتی است که در غرب جدید به وجود آمده به همین دلیل در غرب قرن ۱۱ و ۱۲ از نقد به این معنا خبری نیست. نگاه عقلانی کنه همراه با رئالیسم در غرب سطره پیدا کرد، این ضرورت را پدید آورد که هر بدیده که محترم و حسی مقدس شمرده می‌شد، با تراوی پیوستند که تا پیش از آن کمتر به کار می‌رفت و عمومیت نداشت. البته اگر به قبل تر مراجعه کنید خواهید دید فلسفه افلاطون و ارسطو نشان خود روزانه می‌کند و بر تو همان سنخ است که تراوی‌ها را بررسی می‌کند. بنابراین انسان است که به تراوی مرصا پدید می‌آید و اسطورهای نیست بلکه او ارزش‌های فردی و مفاهیم اسطوری را مورد توجه قرار می‌دهد. در ادامه اما سطره مسیحیت و تبدیل شدن هر چیز به آیین مقدس، باعث شد برای سال‌های طولانی، نگاه عقلگرای یونانی در غرب غایب باشد. در شرق اما اصولا نگاه عقل‌گرایی رشد نکرده بود. ما در شرق با آن سابقه مواجه نیستیم حتی در دوره‌ای که برخی آن را رئالیسم ایرانی و رئالیسم اسلامی می‌دانند (حتی در قرن ۵ و ۶ هجری که دوران حضور فلفله‌گرایان زنده‌ای چون ابن‌سینا، ابروین، و ... بود) کارهای بزرگی انجام شد اما نقد حضور چگمیری نداشت. از قرن ۱۶ میلادی به بعد، نقد یعنی سنخ‌های هر اثر یا تراوی خود، در غرب شوع شد و رشد کرد. در قرن هجدهم میلادی شکوفایی چنین رویه‌ای را که در فاصله روشنگری می‌نیم، مسأله آن است که ما هرگز از نیمه عصر ناسی را نگاه غربی به جهان آسیا می‌شویم. این حرکت ادامه می‌یابد و در عصر مشروطه در ساحت سیاست ظهور و بروز می‌یابد و پس از آن که تجلی ادبی پیدا می‌کند اولین کسی که مسأله نقد در ایران را پیش می‌کشد و نقد شعر را مطرح می‌کند، «میرزا فتحعلی آخوندزاده» است. او یکی از قاصد سروش اصفهانی است و ثابت می‌کند مسروش با وجود آنکه در دوران قاصر زندگی می‌کند، هنوز همان تصاور، تصویر و ذهنیت ۲۰۰۰ سال پیش از خود را نگه کرده است. این اولین جایی است که می‌نیم یک فرد با معیارهای نقد غربی دست به بررسی شعر ایرانی می‌زند. بنابراین می‌شود گفت نقدی که در ایران صورت گرفت در آشنایی با معیارهای غربی آغاز شد. ما شعر را در دوره دستان تحول‌پذیر کردیم و در ادامه داستان داستان کوتاه از غرب گرفتیم. بنابراین در این زمینه‌ها فرهنگ و ادبیات ما از دوره مشروطه تحول بنیانی پیدا کرد که ضرورت به حساب می‌آید. به نظر من کسانی که بعد از فرهنگ مشروطه را می‌بینند یا نمی‌فهمند ببینند، اشتباه می‌کنند.

مهم‌ترین تأثیر مشروطه جدا از مسأله قانون، بساط فرهنگی جدیدی بود که با خود آورد و انتقال آنجا منبختی کوبید که از آن هیچ‌کس نتوانست آن را از جای خود تکان دهد. با این وجود پاسخ به این سوال است که ما در ۱۰۰ ساله اخیر، تا چه حد به صورت معنایی کوانتیم مدرن شویم، معیار نقدپذیری ما هم به حساب می‌آید. واقعیت این است که در طول این مدت‌ها جامعه و متش ایرانی هنوز بسیاری از برای سنتی ادامه در صحنه ۱۰



خسونت را طور دیگر باید دید

گنت و گویا صفر مهاجری



طرح نو

شهرود

بحران آب و تکنهای شهر وندی سبز



بازخوانی

گزارشی از زندگی در دکان زنان اواره جنگ

از سوریه تا میانمار

این تجاوز است که وجود دارد

ترجمه و تدوین: سودابه فیضی

هیچکس از کسی که رنج می‌برد، نمی‌رسد؛ کشورت کجاست یا مذهب چیست؟ فقط باید گفت: «تو رنج می‌بری و همین کافی است.»

لویی پاستور  
ایده‌ی تجاوز جنسی به زنان سوری در اردوگاه‌های آوارگان مشکل بزرگی است که به آسانی حل نخواهد شد. علاوه بر خشونت اعمال شده این زنان از ناخ‌نگ تجاوز در تمام طول زندگی زجر خواهند کشید به همین دلیل به ندرت در مورد متجاوزان حرف می‌زنند ولی تقریباً همه آنها مشاهده‌شان در مورد تجاوز متجاوزان یا باردان، در مانگاها و گروه‌های حمایتی زنان سوری نمی‌تواند کار زبانی برای آنها انجام دهد. در نتیجه گزارشات تجاوز که توسط همسران و افراد اقطنی‌یابید در نامه‌های حمایتی برای مردان آواره زنان همانند زنان در سرلوحه خود قرار دهند. بسیاری از مردان کلاماً می‌نمیدند و از فقر، استرس و عدم توانایی خود رنج می‌برد و فکر می‌کنند چون دیگران توان خواهند داشت، بنابراین هیچ ارزشی ندارند و برخی نیز احساس می‌کنند که کنترل و ابمنی خضاره خود را به دلیل جبهه‌یابی در دست داده‌اند و همین امر به شکل بارون‌کسبگایی باعث شده که خود آنها نسبت به همسران خشونت شدیدی نشان دهند.

زنان آواره سوری از سولستانده جنسی شدید در لبنان رنج می‌برند و ناظر بشردر

مورد امنیت آنان هشدار داده است. در مصاحبه سازمان حقوق بشر تعدادی از زنان در لبنان اعلام شده که به آنها تجاوز شده و بارها مورد سولستانده قرار گرفته‌اند. لیزل گر، هولتز، رئیس حقوق زنان در بخش نظارت می‌گوید: «زنان از مرگ و ویرانی در سوریه فرار کرده‌اند و باید مکانی امن پیدا کنند نه این‌که در لبنان مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. غالب قربانیان، این حوادث را به دلیل ترس از انتقام جنسی متجاوزان یا باردان، به دلیل داشتن اجازه اقامت قانونی - گزارش نمی‌کنند. دولت و آژانس‌های حمایتی باید چشمان خود را باز کرده، تجاوزات جنسی به آوارگان آسیب‌پذیر را ببینند و از قدرت خود برای متوقف کردن آن استفاده کنند.»

آژانس حمایتی اسکاف‌میرد نیز مورد تکرار شدن شرایط هزاران سوری در کمپ‌های لبنان هشدار داد. نایجل تیمیز، مدیر حمایت بشردوستانه اسکاف‌میرد می‌گوید: «آوارگان سوری هر روز برای زنده ماندن در کشوری که به ندرت از آن شغل و جایی برای زندگی وجود دارد، می‌جنگند تلاش

مردم امنیت آنان هشدار داده است. در مصاحبه سازمان حقوق بشر تعدادی از زنان در لبنان اعلام شده که به آنها تجاوز شده و بارها مورد سولستانده قرار گرفته‌اند. لیزل گر، هولتز، رئیس حقوق زنان در بخش نظارت می‌گوید: «زنان از مرگ و ویرانی در سوریه فرار کرده‌اند و باید مکانی امن پیدا کنند نه این‌که در لبنان مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. غالب قربانیان، این حوادث را به دلیل ترس از انتقام جنسی متجاوزان یا باردان، به دلیل داشتن اجازه اقامت قانونی - گزارش نمی‌کنند. دولت و آژانس‌های حمایتی باید چشمان خود را باز کرده، تجاوزات جنسی به آوارگان آسیب‌پذیر را ببینند و از قدرت خود برای متوقف کردن آن استفاده کنند.»

آژانس حمایتی اسکاف‌میرد نیز مورد تکرار شدن شرایط هزاران سوری در کمپ‌های لبنان هشدار داد. نایجل تیمیز، مدیر حمایت بشردوستانه اسکاف‌میرد می‌گوید: «آوارگان سوری هر روز برای زنده ماندن در کشوری که به ندرت از آن شغل و جایی برای زندگی وجود دارد، می‌جنگند تلاش

بسیار سختی است و به ختم موارد زیادی از آن پنهان می‌ماند. از ختم جولی سوال شد که چرا این قدر طول کشید تا مطالعه‌ای جدی در مورد خشونت جنسی در درگیری‌ها آغاز شود و جواب داد که فعالیت‌ها از آن زمان می‌اند. وی گفت: «این که دختران به عنوان برده جنسی به فروش می‌روند و دخترانی را در ۱۰ سالگی شوهر دهند، می‌فهمم و درک نمی‌کنم. بسیار نفرت‌انگیز است. نمی‌فهمم که چرا این‌ها را می‌کنند. جامعه جهانی به این موضوع واکنش نشان دهد و نمی‌توانیم بپذیریم که چیزی تا به حال این اعمال نیست به زنان عادی، به نظر می‌ماند. در اردوگاه‌های آوارگان ملاحظ کرد. «موشه» که دخترش توسط اعضای داعش به برده گردی شد و «سایرین» که بارها جلوس و خواهر جوان ترش کشید. شد جزو این زنان بودند. چه تعداد زن مانند آموشه و سایرین وجود دارد؟ چه تعداد زن نجره‌ای، بره‌ای، اورگانی و سوری قربانی خشونت جنسی هستند که فقط به منظور ایجاد وحشت در مردم منطقه انجام می‌شود؟ به واقع هیچ‌کس نمی‌داند زور وقتی در کمپ‌های حمایتی تغیری - جایی که مستقیم‌ترین حمایت کمن و کمک به قربانیان وجود دارد - تجاوزهای گزارش شده فراموشی هست، نسبت به کسی که در مراکز جنگی و اردوگاه‌های آوارگان به تعداد زن حسرات اعلام تجاوزها دارند.»

ادامه در صفحه ۱۲

گپ روز

توانمندی با هار مونی هويت ملی و هويت مذهبی

احاج محمد احمدی | مدرس دانشگاه

نگاه به موضوعات اجتماعی، گاه‌ما‌را به سویی سوق می‌دهد که در باره برخی از مفاهیم، با تکیه به توجه بیشتر، بحث کنیم. یکی از این موارد که می‌تواند جامعه‌ای را با روابط سالم تر، فعال تر و دیگر ویژگی‌های مثبت برای ما تعریف کند، «جامعه توانمند» است. جامعه توانمند، جامعه‌ای است که در آن عهدگرایی، تخصص‌گرایی و توجه به ارزش‌های انسانی و رعایت حقوق انسان‌هایی که در آن جامعه به لحاظ زنا، قوم یا دین با هم متفاوت هستند، دیده شود. در واقع می‌توان گفت جامعه توانمند، جامعه‌ای است که رابطه مردم و دولت، رابطه‌ای متقابل و دوسویه است و نظم دموکراتیک‌تری را که در رفتارهای اعضا وجود دارد، در سطح جامعه شاهد هستیم. در بحث از شرایط اقتصادی اگر دنیا را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که سرمایه‌داری در آن حاکم است ولی نوع سرمایه‌داری در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشورهای مدرن، پیشرفته و توسعه‌یافته معمولاً سرمایه‌داری مبتنی بر تولید وجود دارد ولی در کشورهای در حال توسعه نظام اقتصادی حاکم، سرمایه‌داری دولتی یا سرمایه‌داری غیرتولیدی است. یعنی پول پول می‌آورد، در حالی که در کشورهای که اقتصاد بر مبنای تولید است، تولید پول می‌آورد. در جامعه کمبیتی اقتصاد دولتی هستند چون پول در خدمت تولید است. در نتیجه میزان بیکاری، فقر و برابری در این جوامع بسیار شدید است اگر چه در نظام سرمایه‌داری غربی نیز شکاف‌هایی وجود دارد ولی این شکاف‌ها در جوامع با اقتصاد دولتی بسیار عمیق‌تر است. از نظر سیاسی در یک جامعه توانمند باید مردم و دولت نسبت به وظیفه خود در دست‌کامیابی، آگاهی لازم را داشته باشند و عمل کنند، یعنی عملکرد آشنند و هیچ‌گونه محدودیتی در ارائه آن عمل نداشته باشند. باید بکنند و وضع موجود باشد و حتی گروه‌های مخالف وضع موجود دارای تشکیلات و حزب باشند و رأی مردم باشد و انحصار قدرت در دست جناح مخالف باقی نماند. همین‌طور مردم دولت خود را در میان خود می‌شناسند و فعالیت دارند و از همه‌شوند زمامی که حوزه سیاسی به این شکل باشد ناخودآگاه تکلیف حوزه فرهنگ هم مشخص است. در حوزه فرهنگ، ابزارهای آگاهی بخشی - چون آگاهی‌بخشی - در بد قدرت نیروی حاکم است. این نیروی حاکم در واقع همان ارزش‌ها و نیازها و خواسته‌هایی که خودش دارد را هر روز تولید و بازتولید می‌کند و در اختیار مردم قرار می‌دهد. این راه به جایی نمی‌رسد. باید بتواند در حوزه فرهنگ از حوزه دولتی خارج شود و در اختیار مردم قرار بدهد. در واقع مردم در این حوزه نقش آفرین و بازیگر باشند. در حقیقت اگر حوزه سیاسی، مشگل‌کنی باشد، حوزه فرهنگ هم مشگل‌کنی می‌شود. ولی اگر حوزه سیاست، حوزه‌ای بسته باشد، چیزی تحت عنوان توسعه و رشد در حوزه فرهنگ نخواهیم بود، بلکه فرهنگ تنها مصرف‌کننده خواهد بود نه تولیدکننده. به عنوان مثال اگر ما در کشورمان بعضاً شاهد این هستیم که فرهنگ برای طلب و آگاهی‌بخشی نیست، در بد قدرت نیروی حاکم است. برای این است که به خوبی نگذاشته‌ایم. فرهنگ بومی و قومی ایرانی فرصت ظهور و بروز پیدا کند. به معمولاً ارزش‌های ایدئولوژیک رونق می‌یابد در حالی که ایران پرگرفته از دولتی‌هاست و مذهبی است و فراموشی این دو می‌تواند ما را به توسعه برساند. در هر سیستمی چند پارتر اصلی وجود دارد: سرمایه، تکنولوژی و آفق آینده ما در زمینه سرمایه که خود از بخش سرمایه‌داری و سرمایه‌های تشکیل شده خوب مقدم می‌بارد، در واقع پیش‌ساز خوبی بود. در حوزه تکنولوژی مشکل دارم. ولی به عمد همین سرمایه‌داری نیروی انسانی می‌توان مشکلات را حل کرد. اما چیزی که در آن مشکل داریم و بعد اصلی آن روی مدیریت و هدایت کشور است. آفق آینده است که باید آن را درست کنیم. اگر ما ابزار علمی را سرمایه‌داری و تکنولوژی در نظر بگیریم این آفق آینده است که مشخص می‌کند این دو کجا حضور باید به کار گرفته شوند که به عنوان مثال ۵۰۰ یا ۱۰۰ سال آینده در چه جایگاهی هستیم. قرار است در بلندمدت در چه رتبه‌ای قرار بگیریم. مقایسه با معیارهای مدیریت است. اما مسئله‌ای آفق آینده به دلیل تغییر ساختار دولت‌ها، دچار تراول می‌شود و ما دچار نوعی سردرگمی هستیم. برخی وقت‌ها در سیاست خارج جوی‌ها گفتیم و برخی وقت‌ها در شورای عالی برنامه‌ریزی گفتیم و برخی وقت‌ها در هیئت مدیره برنامه‌ریزی گفتیم. اما گارها در حقیقت برای ما وجود ندارند. توانمندی ما در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به دلیل بی‌توجهی ما به این موضوع است. ما متأسفانه همان حد هم در برنامه‌ریزی‌های کلیدی‌ترین محور است. به دلیل بسیاری از مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود دچار مشکل هستیم.